

مطالعه تطبیقی سرگذشت آدم (ع) در قرآن و عهدین

سیده مریم بازیار^۱، محمدمهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ طلبه سطح چهار (دکتری) رشته تفسیر تطبیقی، حوزه علمیه خواهران جامعه النور، شیراز استان فارس، مدرّس، پژوهشگر و فعال فرهنگی
^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)
^۳ دانشجوی دکتری علوم و حدیث، دانشگاه میبد، مدرّس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

دیدگاه قرآن کریم و کتاب مقدس عهدین در رابطه با سرگذشت آدم (ع) و حوا به رغم داشتن نقاط و مباحث مشترک، دارای اختلافات اساسی است. کتاب عهدین خلقت آدم را دو مرحله آفرینش از خاک و دمیده شدن روح در بینی او می‌داند. عهدین به سرگذشت آدم یک نگاه مادی‌گرایانه دارد. در سرگذشت آدم حتی خدای معرفی شده در داستان، انسان‌وار، محدود و دروغگو و زودرنج است. در ارتباط با خلقت حوا در این کتاب آمده که از دنده چپ آدم خلق شده است هم‌چنین عامل فریب آدم، حوا بوده که او خود توسط موجودی به نام مار فریب خوده است. قرآن کریم نیز برای آدم دوساحت جسم و روح قائل است. آدم در آیات قرآن دارای امتیازاتی هم‌چون برتری علمی و مسجود ملائک است. به مبحث توبه و طلب استغفار آدم و حوا نیز اشاره شده که در عهدین مطلبی در این رابطه بیان نشده است.

واژه‌های کلیدی: آدم، عهدین، توبه، ملائکه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

آفرینش آدم و حوا و سرگذشت آن دو، از دیرباز مورد توجه بشر بوده و دیدگاه‌های مختلفی در این مورد بیان شده است. در ادیان ابراهیمی یهمود و اسلام با الهام از آثار موجود آسمانی خود، با وجود نقاط مشترک بسیاری که دارند اما در برخی مباحث، تفاوت‌های اساسی وجود دارد که نگرش پیروان‌شان را نسبت به آدم و جهان و خالق آن دو در حدی تحت تاثیر قرار می‌دهد. اعتقادات پیروان ادیان در مسائل اساسی جهان بینی بسیار متفاوت شده است. گاهی با تکفیر و قتل یکدیگر امید تقرب به خدا را می‌جویند.

این مقاله آدم را از دیدگاه اسلام و اهل دین مورد بررسی قرار داده و نقاط مشترک و افتراق آن‌ها را در قالب بررسی آیات و نقطه نظرات مفسران در سده‌های مختلف را بیان می‌کند؛ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ضرورت بررسی این موضوع روشن است از نظر تاریخی این موضوع سابقه طولانی دارد و کتاب‌های عهد عتیق و جدید و قرآن کریم در موارد متعدد آن را مورد توجه قرار داده‌اند. همچنین بسیاری از سؤالات را در مورد حقیقت و هدف خلقت خداوند از خلقت و اتفاقاتی که در آن برهه از زمان افتاده، آگاه شده و در کنار این آگاهی، به یک معرفت دینی در رابطه با هدف و جایگاه انسان در نظام خلقت و ... علم پیدا کرد.

یادآوری این نکته ضروری است که سرگذشت آدم و حوا در کتاب مقدس یهودیت، تنها در سفر تکوین تورات آمده است. به همین خاطر تأکید اصلی بر عهد عتیق خواهد بود. در اسلام نیز آیات شریفه در سور متعدد قرآن کریم، محور بحث است، که مفسران در سده‌های مختلف این آیات را مورد تحلیل و بررسی قرار داده و در برخی موارد با الهام از کتاب مقدس عهدین، نظریاتی بیان می‌کنند.

خلقت آدم در تورات

در مورد خلقت آدم یک بار در سفر پیدایش و بار دیگر در باب‌های دوم تا پنجم آن، به صورت مفصل‌تر به سرگذشت آدم و حوا پرداخته شده است. در باب اول از تکوین عالم هستی در ۶ روز و از آفرینش آدم، که نقطه کمال خلقت و مهر پایانی آن است، سخن می‌رود.

«پس از آن که خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید، و با اراده و کلام خود روشنایی را پدید آورد، آب‌های زیر فلک را از آب‌های بالای فلک جدا ساخت، روی زمین را از گیاهان گوناگون و انواع جانوران و پرندگان پر ساخت و اجرام فلکی را در آسمان قرار داد، در روز ششم گفت: آدم را به صورت ما و موافق شبیه ما بسازیم تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهایم و بر تمامی زمین و هم حشراتی که بر زمین می‌خزند حکومت نماید.»^۱

همچنین در سفر پیدایش باب ۱ شماره ۲۹ چنین آمده است:

۱- عهدین، سفر پیدایش، باب ۱ ش ۲۶ و ۲۷

«و خدا ایشان را برکت داد و خدا به ایشان گفت بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط نمایید و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بر زمین می خزند حکومت کنید.»

در باب های دوم تا پنجم داستان خلقت آدم (ع)، با تفصیل بیش تر و تقریباً با بسیاری از جزئیاتی که در روایات مسیحی و اسلامی نیز دیده می شود، آمده است. آدم، زن وی حوا، باغ عدن، درخت ممنوع، اغوای حوا و خوردن از میوه آن درخت نخستین گناه، رانده شدن از باغ بهشت، زندگی بر روی زمین، زناشویی و آوردن فرزندان و جز آن در این قسمت ذکر شده است.

در این نوشتار ابتدا به نکات مشترک سپس نکات افتراقی سرگذشت آدم (ع) در قرآن و عهدین را مطرح و در برخی موارد مفسران مسلمانی را که در دیدگاه تفسیری خود به عهدین رجوع کرده اند، بررسی می شود.

الف) مشترکات سرگذشت آدم ﷺ در قرآن و عهدین

در قرآن و عهدین به بحث خلقت آدم از خاک اشاره است. اما با این تفاوت که این میحث در آیات قرآن کریم با تفصیل بیشتری است. هم چنین دمیده شدن روح در کالبد جسمانی، سکنی دادن آدم در باغی که درختان زیادی دارد. در قرآن کریم به صورت مطلق گفته شده «الجنه» اما این که در کجا قرار دارد، ساکت است، هم چنین نهی الهی به نزدیک شدن به درخت ممنوعه و خوردن از میوه آن که در صورت خوردن از آن علاوه بر نافرمانی از دستور خداوند عواقبی نیز به همراه خواهد داشت. آدم و حوا اجازه داشته اند از سایر نعمت های باغ بهره برند و خداوند آدم و فرزندان وی را در زمین مورد تکریم قرار داده است.

این خلاصه ای از مشترکات داستان بود که در ادامه در قالب جدول همراه با آدرس و ذکر آیه مربوطه بیان می شود.

عنوان	قرآن کریم	عهدین
آفرینش انسان از خاک	آیه ۲۰ روم) و من آیاته أن خلقکم من تراب)	سفر پیدایش فصل دوم شماره ۷(خداوند پس آدم را از خاک زمین سرشت.)
دمیده شدن روح	آیه ۷۲ ص(فإذا سوّيته و نفختُ فيه من روحی)	شماره ۷(خدا در بینی وی روح حیات دمید و آدم نفس زنده شد.)
سکنی دادن آدم علیه السلام در باغ	آیه ۲۳ بقره و ۱۹ اعراف(و قلنا با آدم اسکن أنت و زوجک الجنه)	شماره ۸(خداوند باغی به وجود آورد و آدمی را که آفریده بود در آن باغ گذاشت.)
نزدیک نشدن به درخت خاص	آیه ۳۳ بقره و ۱۹ اعراف(و لا تقربا هذه الشجرة فتکونا من الظالمین)	شماره ۱۶ و ۱۷(به او گفت از همه میوه های دربخور به جز میوه درخت ...)
خوردن از بقیه درختان باغ	آیه ۳۳ بقره(و کلا منها رغدا حیث شئتما)	شماره ۱۶ و ۱۷ (به او گفت از همه میوه های درختان باغ بخور)
بعد از خوردن از میوه ممنوعه آشکار شدن آن چه برایشان پنهان بود و شماتت از طرف	آیه ۲۲ اعراف(فدلاهما بغرور فلما ذاقا الشجرة بدت لهما سواتهما و طفقا یخصفان علیها من ورق الجنه و ناداهما	فصل سوم شماره ۷ تا ۱۳(... خدا فرمود: چه کسی به تو گفت که برهنه ای؟ آیا از میوه آن درختی که خوردی

خدا	ربهما...)	که به تو گفتم نخور؟ آنگاه خدا از پرسید این چه کاری بود که کرده ای؟ ...
حوا بعد از آدم خلق شده	آیه یک سوره نساء(يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا) بنا بر نظر برخی مفسرین (زوجها) را حوا دانسته اند.	سفر پیدایش، فصل دوم، شماره ۷ تا ۲۱.

ب) افتراقات سرگذشت آدم در قرآن و عهدین

۱- خلقت آدم

یکی از مباحثی که در تورات مطرح شده و قرآن کریم هم به آن اشاره کرده، بحث از آفریده شدن آدم از خاک است و این از مشترکات هردو کتاب است. اما وجه تمایز آن در این است که، در آیات قرآن کریم روند خلقت را و حتی ماده اولیه خلقت را با تفصیل بیان می کند.

در رابطه با آفرینش آدم ابوالبشر در قرآن کریم آیات متعددی آمده است. برخی موارد با استفاده از واژه «آدم»، «انسان» و «بشر» به این موضوع اشاره نموده است. هم چنین در مورد ماده اولیه خلقت انسان از واژه های گوناگونی استفاده شده است. در سوره آل عمران «... كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ...» معنای واژه «تراب» که در آیه به آن اشاره شده؛ در اصل به معنای کوچک دیدن و خضوع کامل است. این که به معنای خاک مشهور شده به این خاطر است که، خاک زیر پا واقع شده و مصداق مناسبی برای این معنا است. و خلقت او را از «... بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ» واژه «طین» به معنای گل است؛ خاک که با آب مخلوط شود را گویند هرچند آب آن رفته و خشک شده باشد. و آیه «... خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ» واژه «طین لازب» به معنای گل چسبنده، در آیه ۲۸ سوره حجر با تعبیر^۷ «... بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ» آمده که واژه «صلصال» به معنای گل خشکیده

۲- لآ عو لا ۳ آیه ۵۹

۳- حنب، مصطفی، التحقی فی کلمات القرآن ج ۱ ص ۲۸۳

۴- سجده ۲ ۳ آیه ۷

۵- حنب، محله، ریله، طفهان، مؤلات الظ القرآن ص ۵۳۳

۶- صلوات ۳۷ آیه ۱۱

۷- یحیی بن زید در معارج القرآن محله علی بن نجف ج ۱ ص ۱۹۸۰ م ص ۲۸۴

۹ که آتش به آن نرسیده و زمان به هم کوبیده شدن، صدا می دهد. «حمی» به معنای گل سیاه بد بو و «مسنون» به معنای ریخته شده یا تغییر داده شده یا شکل داده شده است.

۱ در سوره مومنون چنین می فرماید: «... الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ» واژه «سلاله» اسم برای چیزی که از چیز دیگر گرفته می شود. «سلاله من طین» عصاره ای که از گل گرفته می شود.^۱
۲- تعیین درخت ممنوعه

در آیات قرآن کریم جنس یا میوه درخت ممنوعه مشخص نشده است اما با توجه به متن سفر پیدایش درخت نیک و بد یا درخت حیات است. در این قسمت نوعی تناقض در متن دیده می شود آن چه از متن برداشت می شود درخت ممنوعه یک درخت بیش نیست اما دو نام یا صفت در این باب برای آن آورده شده یکی درخت خیر و شر و دیگری درخت حیات است. شاهد این نکته در آن قسمت از متن است که، پس از خوردن آدم و حوا از درخت تشخیص خیر و شر، خداوند به نگهبانان باغ فروان می دهد از درخت حیات به شدت مراقبت کنند تا آدم نتواند از آن تناول کند.^۳

در آیات قرآن کریم نامی از جنس درخت برده نشده اما در دوران مختلف از سوی مفسران نظراتی بیان و هر کدام نامی را بر درخت گذاشته اند که همگی از تفاسیر سلف الگو برداری کرده اند از جمله این نام ها: سنبله به معنای خوشه، حنطه به معنای گندم، البر به معنای گندم، کافور و عنب به معنای انگور است. اما آن نامی که بیشتر با بحث ما ارتباط دارد این است که^۴

۸- مجمل القرآن، یحیی یزید، غیة القرآن و تفسیره، محم سلیم الحج لی بیوت علم البکة، ۱۴۰۵ه ق ص ۲۰۰

۹- محم بن مکرم، منظر و لسان العرب ج ۶ ص ۹

۱- محم بن ولید الحنبل، نیشابوری ایضاً زالبینا مع معجز القرآن، ج ۱ لی بیوت دارالوهاب الاسلامی، ۱۴۱۵ه ق ص ۴۶۸

۱- مومنون (۲۳) آیه ۲

۱- فطرن، حنطه، طبری، مجمع البینا فی تفسیر القرآن ج ۷ ص ۱۶۰

۱- عهلی، سفریشاد، باب هم، شط و ۹

۱- علی بن احمد و الحلی، الوجیزی فی تفسیر الکتاب العزیز ج ۱ لی بیوت دارالقه، ۱۴۱۵ه ق ص ۱۰۰

۱- مجمل القرآن، لحمه نسف، التفسیر النسیف، کوی التلید و حقیق التألیف ج ۱ لی بیوت دارالنفی، ۱۴۱۶ه ق ص ۸۳ و محم بن احمد، مجمل جلالی ج ۱ لی بیوت مؤسسه لیل للمطبوعات ۱۴۱۶ه ق ص ۱۵۵

۱- مجمل الرحمن، لی بکه همان کتاب ج ۵ ص ۵۳

۱- تلاء الله یازی، تفسیر المظهر، ج ۱ ص ۵۴

برخی مفسران نام درخت را، درخت جاودانگی یا حیات نامیده‌اند. این دیدگاه از قرن دوم توسط تفسیر «مقاتل بن سلیمان» مطرح شد و پس از «مقاتل بن سلیمان» در سده بعد تفسیر «یحیی بن سلام» از «ابوهریره» نقل می‌کند که شجره خلد بوده است. تفسیر «تبیان» از «ابن جزغان» نقل می‌کند که درخت خلد همان درختی است که ملائکه از ثمر آن می‌خورند. کتاب «ابن کثیر» در تفسیر خود این دیدگاه را در قالب روایت «ابوهریره» به نقل از پیامبر اکرم (ص) آورده است. با بررسی اجمالی صورت گرفته به نظر می‌رسد این دیدگاه منسوخ شده است. البته به نظر می‌رسد علاوه بر الهام گیری برخی مفسران از داستان تورات، برخی نیز با توجه به استدلال ابلیس که در آیه «قَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَائِكَةً أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ» و آیه ۱۲۰ سوره طه «يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ ... ای آدم! می‌خواهی تو را به زندگی جاویدان و ... راهنمایی کنم؟!» اما در هر صورت نظر این مفسران هم‌سو با دیدگاه تورات است.

۳- فریب خوردن آدم (ع)

خداوند در آیه ۳۶ سوره مبارکه بقره «فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَ قُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ مَتَاعٌ إِلَى حِينٍ؛ پس شیطان موجب لغزش آنها از بهشت شد؛ و آنان را از آن چه در آن بودند، بیرون کرد. و (در این هنگام) به آن‌ها گفتیم: «همگی (به زمین) فرود آیدید! در حالی که بعضی دشمن دیگری خواهید بود. و برای شما در زمین، تا مدت معینی قرارگاه و وسیله بهره برداری خواهد بود.» به صراحت بیان شده که عامل لغزش و فریب ابلیس بوده است. اما در این مطلب که ابتدا چه کسی توسط ابلیس فریب خورد بین مفسران نیز اختلاف است اکثر مفسران استناد به آیات ۲۰ سوره اعراف و ۳۶ سوره بقره معتقدند که ابلیس هر دو را فریب داد. شاهد مثال این مفسران ضمیر مثنی در این دو آیه است. «فوسوس لهما الشيطان؛ سپس شیطان (هر دو) آنها را وسوسه کرد. با این وسوسه هر دو را گمراه کرد. آنجا که می‌فرماید: «فَأَزَلَّهُمَا الشيطان» و سرانجام «فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ» برخی روایات نیز همین نظر را می‌توان استنباط کرد. در تورات زن و مار نقش اصلی سرپیچی از فرمان خداوند را متحمل هستند و به تبع زن، آدم نیز فریب می‌خورد.

پس از خلقت آدم و همسرش، مار که از همه حیوانات مکارتر بود به زن گفت: آیا خداوند گفته است از هیچ درخت این باغ نخورید؟ زن گفت: ما اجازه داریم از میوه همه درختان این باغ بخوریم، اما خداوند گفته که از میوه درختی که در میان این باغ است نخورید و آن را لمس نکنید مبادا بمیرید، مار گفت: حتما نخواهید مرد زیرا خداوند می‌داند روزی که از آن بخورید چشمان شما باز می‌شود و مانند خداوند میان نیک و بد را تشخیص خواهید داد.

زن دید که آن درخت برای خوراک، نیکو و برای چشم‌ها، هوس انگیز است و برای معرفت دار شدن، پسندیده است. از میوه آن

۱- مقاتل بن سلیمان، تفسیر المقاتل، ج ۳، ص ۳۴

۱- یحیی بن سلام، تفسیر لسام التیمی، ج ۱، ص ۲۸۴

۲- محله بن حنی، طویح، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۵۸

۲- لمالی بن عوف، کتب التفسیر القرآن العظمی، ج ۵، ص ۲۸۲

۲- عبد علی بن جمعه عربی، حوین، و ذرائع التعلیل، ج ۱، ص ۶۸

گرفت و خورد و به شوهرش هم داد، چشمان هر دو گشوده شد. ^۳
 سپس مورد خطاب خداوند قرار می‌گیرند که چرا از آن درخت خوردند که آدم جواب داد: این زن که یار من ساختی از آن میوه به من داد، من هم خوردم. آن‌گاه خداوند از آن (زن) پرسید این چه کاری بود که کردی؟ زن گفت: مار مرا فریب داد، آن‌گاه خداوند هر سه را مجازات می‌نماید. ^۴

برخی تفاسیر همین دیدگاه تورات را نقل کرده‌اند به عنوان نمونه: طبری در تفسیر خود به نقل از وهب بن منبه که از دانشمندان یهودی مسلمان شده است؛ داستان طولانی را نقل می‌کند که در آن ابتدا حوا از درخت ممنوعه خورده و آدم را نیز تشویق به خوردن می‌کند. هم‌چنین ثعلبی به همین مضمون داستانی را از محمد بن اسحاق نقل کرده است. در مقابل برخی تفاسیر شیعی این نظر را رد کرده‌اند و این‌گونه داستان‌ها را بی‌پایه و اساس می‌دانند. ^۶

اما نکته بعد فریب خوردن حوا یا آدم و حوا توسط مار است برخی مفسران معتقدند این فریب خوردن توسط مار، باعث شدن در زمان هبوط آدم و حوا، مار را نیز از باغ بیرون کند. این دیدگاه بیشتر مورد استقبال تفاسیر روایی واقع شده و اولین مرتبه تفسیر منسوب به امام حسن عسکری ^۲ این نظر را بیان کرده است. در سده چهارم «ابن ابی حاتم» و «طبرانی» که هر دو از مفسران سنی مسلک هستند این نظر را بدون ذکر منبع بیان کرده‌اند. جناب «جرجانی» در سده پنجم هجری به نظر می‌رسد برای اولین مرتبه داستانی را نقل می‌کند که در این داستان ابلیس با همدستی حیّه یا همان مار و طاووس آدم و حوا را فریب می‌دهد. که سرانجام خداوند مار را قبل از این ماجرا دارای پاها و صورت زیبا بوده، مسخ و به همراه طاووس و حضرت



۲- عهنب سف پیشرا، ۱ ب ۱۵ و ۱۷.

۲- هفله ۱ ب ۱۱ و ۱۴.

۲- محله ن: جره طوی، تفسیر جلع البیاء، ج ۴ ص ۷۷.

۲- جلا الذی تعلی نیشود ۱۱ لا را المؤمن فی تفسیر المؤمن و ج ۳ ص ۷۴.

۲- محله ن: حنب طویب التبیان فی تفسیر القرآن ج ۴ ص ۱۶۲.

۲- ن: یسل واد الحنب عی و ابن زید واد یعقوب یفسد، هفا کلب ج ۴ ص ۳۶.

۲- عبج الرحمن محله ن: یاد حله تفسیر القرآن العظم ج ۷ ص ۷ و سلیفان: لحم طویب التفسیر الکبیر ج ۴ ص ۱۵۳.

آدم ﷺ و حوا از بهشت اخراج می‌شوند. در سده ششم هجری «ابن غطیه» به نقل از «سُدی» این نظر را بیان می‌کند. اما تفسیر «بغوی» علاوه بر پذیرش این دیدگاه داستان مار و طاووس را که در سده قبل جناب «جرجانی» نقل کرده بود با بسط بیشتری آورده است. در سده هشتم هجری تفسیر آروایی سنی مذهب «الخازن» و «مواهب علیه» در قرن دهم همین دیدگاه را پذیرفته‌اند. تفسیر «الصافی» که از کتاب‌های تفسیری روایی شیعی مذهب است، اعتقاد دارد ابلیس چون از بهشت اخراج شد برای ورود به آن‌جا به دهان مار داخل و وارد بهشت شود و حضرت آدم ﷺ و حوا را اغفال نمود. در سده سیزدهم تفسیر «المظهری» و «فتح‌القدیر» نیز «واو» جمع در واژه «اهبطوا» را خطاب به آدم ﷺ و حوا و ابلیس، مار و طاووس می‌دانند. با بررسی انجام شده در قرن معاصر تفسیر «التیسیر» نیز همین دیدگاه را اختیار کرده است.^۶

لازم به ذکر است داستانی که در تورات در رابطه با فریب دادن مار آمده با داستانی که برخی کتاب‌های تفسیری نقل کرده‌اند از جهاتی تفاوت‌هایی دارد و آن این‌که در کتاب‌های تفسیری مسلمان ابلیس با همدستی مار یا به شکل مار و با همکاری طاووس آدم و حوا را فریب داده در حالی که در تورات فقط از مار نام برده شده است.

۴- عواقب خوردن از میوه ممنوعه

خداوند در تورات در مورد عواقب خوردن از درخت ممنوعه به آدم چنین هشدار می‌دهد:
به او گفت: از همه میوه‌های درختان باغ بخور، به جز میوه درخت شناخت نیک و بد، زیرا اگر از میوه آن بخوری، مطمئن باش،

۳- محمد القاون: بحیثیة الرحمن، جرجان و جلالار فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۴۳۰ دارالفکر ۱۴۳۰ ه ق ص ۱۲۷.

۳- محمد التاج: بغلا، باب عطیة المجرر الوجیه، ج ۱، ص ۱۲۹.

۳- حسین بن: مسود بغوی، التفسیر البغوی، ج ۱، ص ۱۰۶.

۳- علی بن: محله، تلوه تفسیر الطلوه، ج ۱، ص ۳۹ و حسین بن علی: کاشف، تفسیر حسینی (مواهب علیه)، ج ۱، اول، سراوان: کتاب‌فروشی نور، بی‌تا، ص ۱۲.

۳- محله بن: شا مرتضیٰ، ضرف کاشیان تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۱۲۲.

۳- ثناء الله یازیت: هفا کلاب ج ۱، ص ۵ و محله شوکان: فخر القلوه، ج ۱، ص ۸۴.

۳- ماجد ناص: زیط، التیسیر، ج ۱، ص ۹۰.

خواهی مُرد.

در جایی دیگر مار خطاب به حوا می گوید:

مطمئن باش نخواهید مُرد. بلکه خدا خوب می داند زمانی که از میوه آن درخت بخورید، چشمان شما باز می شود و مانند خدا می شوید و می توانید خوب را از بد تشخیص دهید. پس از خوردن، آن گاه چشمان هر دو باز شد و از برهنگی خود آگاه شدند. پس با برگ های درخت انجیر پوششی برای خود درست کردند.

با توجه به این متن، عاقبتی که خداوند گفته بود با نتیجه خوردن تفاوت داشت و نعوذبالله خداوند دروغگو جلوه داده شد. پس نتیجه خوردن از درخت ممنوعه، به دست آوردن قوه تشخیص خیر از شر است. این در حالی است که خداوند در آیات قرآن کریم عاقبت آن را این گونه «...لَا تَقْرَبُوا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونُوا مِنَ الظَّالِمِينَ» و در آیه ۳۵ سوره بقره دقیقاً همین عاقبت را بیان کرده است.

۵- مکان باغ

در تورات باغی را که آدم در ابتدای خلقت در آن سکنی داده شده بود، را این گونه توصیف می کند:

خداوند در سرزمین عدن واقع در شرق، باغی را به وجود آورد و آدمی را که آفریده بود در آن باغ گذاشت. خداوند انواع درختان زیبا در آن باغ رویانید تا میوه های خوش عم دهند. از سرزمین عدن رودخانه ای به سوی باغ جاری شده تا آن را آبیاری کند. سپس این رودخانه به چهار رود کوچک تر تقسیم گردید. اول «فیشون» است که از سرزمین حویله می گذرد. در آن جا طلای خالص، مروارید و سنگ جزع یافت می شود. رود دوم «جیحون» است که از سرزمین کوش عبور می کند. سومین رود «دجله» است که به سوی آشور جاری است و رود چهارم «فرات» است.

با توجه به این توضیحات قطعاً باغ مذکور در زمین بوده است. اما در آیات قرآن کریم نامی از مکان باغ برده نشده است اما در سده های مختلف مفسران در این رابطه نظراتی را مطرح کرده اند. دیدگاهی که بیشترین طرفدار را دراد این است که، باغی که آدم در آن ساکن بود همان بهشت موعود است که افراد با ایمان در روز قیامت به آن داخل می شوند و بر آن استدلال هایی را آورده اند که از حوصله این نوشتار خارج است. اما برخی مفسران معتقدند که باغ مطرح شده، باغی از باغ های زمینی است. این دیدگاه بین تفاسیر روایی شیعه و برخی معتزله طرفداران زیادی دارد. این دیدگاه از یک برهه تاریخی به بعد بین تفاسیر روایی شیعی بیشتری تمایل را داشته است و در خیلی از تفاسیر این دیدگاه را نشأت گرفته از روایت امام صادق علیه السلام می دانند. سیر

۳- عهز، سو پیشرا، ۱ ب هم شط و ۱۹.

۳- هف، ۱ ب سم شط و ۴.

۳- هف، شط و ۷.

۴- سو و سوفا آیر ۱۹.

۴- هف، شط و ۱۷۴.

دیدگاه مفسران به قرار زیر است:

اولین بار در سده سوم هجری این نظر توسط «علی بن ابراهیم قمی» مطرح شد. وی در تفسیر خود چنین آورده است: «فَإِنَّهُ حَدَّثَنِي أَبِي رَفَعَهُ قَالَ: سَأَلَ الصَّادِقُ ۑ عَنْ جَنَّةِ آدَمَ أَمْ مِنْ جَنَّاتِ الدُّنْيَا كَانَتْ أَمْ مِنْ جَنَّاتِ الْآخِرَةِ- فَقَالَ كَانَتْ مِنْ جَنَّاتِ الدُّنْيَا تَطَّلَعُ فِيهَا الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ- وَكَوْ كَانَتْ مِنْ جَنَّاتِ الْآخِرَةِ مَا أَخْرَجَ مِنْهَا آدَمَ وَ لَمْ يَدْخُلْهَا إِبْلِيسُ.»^۲

در سده های با استناد به همین روایت و یکسری دلایل دیگر این نظر را پذیرفته اند.

از جمله در قرن هفتم هجری تفسیر «کبیر» یا همان «مفاتیح الغیب» در بررسی نظرات مفسران، این دیدگاه را به «ابوالقاسم بلخی» و «ابومسلم اصفهانی» نسبت می دهد و دلایلی را از قول ایشان بیان می کند که به شرح زیر است: اول: اگر حضرت آدم ۑ در بهشت خلد بود، اغواء ابلیس به او نمی رسید. دوم: هرکس وارد بهشت خلد شود از آن خارج نمی شود. سوم: ابلیس پس از تمرد از سجده بر آدم ۑ، قادر نبود به بهشت خلد برسد. چهارم: نعمت های بهشت خلد منقطع نمی شود. پنجم: در حکمت الهی جایز نیست که خلق در بهشت زندگی خود را از بهشت شروع نموده در حالی که اصلاً تکلیفی بر عهده او نبوده زیرا بهشت را بر اساس جزاء و پاداش به خلایق داده می شود. ششم: خداوند آدم ۑ را در زمین خلق کرد اما در آیات سخنی از انتقال او به آسمان نیامده است اگر چنین بود بیان انتقال از زمین به آسمان نسبت به حالت عکس آن، اولی بود.

تفسیر «الشعراوی» با این استدلال که، خداوند هر جا واژه «الجنة» را به صورت مطلق بیان نموده منظور جنات زمینی است؛ این دیدگاه را اختیار نموده است.

با وجود این که نتیجه استدلال ها با کلام تورات در مورد زمینی بودن باغ یکی است اما نمی توان با صراحت نظر این گروه از مفسران را نشأت گرفته از تورات دانست زیرا اولاً مفسران شیعی با استناد به روایات این نظر را پذیرفته اند و در ثانی آن دسته از مفسران معتزلی مسلک با تمسک به استدلال به این نتیجه رسیده اند. پس نمی توان قول آن ها را برگرفته از آموزه های یهودی دانست.

ج) موارد ذکر نشده در قرآن یا تورات

یکسری مباحث پیرامون سرگذشت آدم و حوا در آیات قرآن مطرح شده که تورات نسبت به آن سکوت کرده و برخی دیگر در تورات آمده که آیات قرآن حرفی از آن زده است. از جمله:

۱- خلقت حوا

در تورات در رابطه با خلقت حوا این مطالب مطرح شده است:

۴- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر التوحید، مجله پژوهش های معاصر در علوم و تحقیقات، سال سوم، شماره ۲۸، آبان ۱۴۰۰، ص ۳۳

۴- محمدرضا عوفی، فخر راکن التفسیر الکبیر، ج ۳، ص ۵۲

۴- محمدرضا متول، شفو علی، تفسیر الشعری، ج ۱، بیروت: دار الفکر، ۱۹۹۱ م، ص ۵۹

خداوند فرمود: «شایسته نیست آدم تنها بماند. باید برای او یار مناسبی به وجود آورم. آن گاه خداوند همه حیوانات و پرندگانی را که از خاک سرشته بود نزد آدم آورد تا ببیند آدم چه نام‌هایی بر آن‌ها خواهد گذاشت. بدین ترتیب تمام حیوانات و پرندگان نام گذاری شدند. پس آدم تمام حیوانات و پرندگان را نام‌گذاری کرد، اما برای او یار مناسبی یافت نشد. آن گاه خداوند آدم را به خواب عمیقی فرو برد و یکی از دنده‌هایش را برداشت و جای آن را با گوشت پر کرد و از آن دنده، زنی سرشت. او را پیش آدم آورد. آدم گفت: این است استخوانی از استخوان‌هایم و گوشتی از گوشتم. نام او "نسا" باشد چون از انسان گرفته شد.^۴

در قرآن کریم با این صراحت از خلقت حوا مطرح نشده اما برخی مفسران «خلق منها زوجها» در آیه ۱ سوره نساء را به خلقت حوا ربط داده و مباحثی از جمله خلق شدن از دنده چپ - همسو را تورات است - را در تفاسیر خود مطرح کرده‌اند.

«طبرسی» برای «نفس» سه معنای: روح، تاکید مانند «جائی زید نفسه» و معنای ذات و اصل را بیان کرده است. «مصطفوی» آن را تشخص از جهت ذات شی ترجمه کرده و روح را از آن جت که مظهر تجلی و افاضه است را برخی نفس نامیده‌اند. «نفس واحده» در آیه مذکور را به آدم و حوا تطبیق داده که اختلافی بین آن‌ها از نظر شکل و صفات نوعی هیچ تفاوتی با هم ندارند بلکه در صفات است که آدم و حوا از هم منفرد می‌شوند. واژه «زوج» به معنای: به هر یک از دو همسر مرد و زن (نرینه و مادینه) و در حیوانات که با هم جفت هستند و آمیزش جنسی نموده‌اند، گفته می‌شود و هم‌چنین به هر دو جفتی، چه در مزاجت و یا در غیر آن، مثل جفت کفش و نعلین و نیز به هر دو چیزی که با یکدیگر شبیه یا همانند باشند، خواه شباهتی یکسان و یا ناهمسان باشد باز هم آن‌ها را - زوج - گویند.

«طباطبائی» ذیل آیه ۱ سوره نسا می‌گوید: مراد از نفس انسان چیزی است که، انسان به واسطه آن انسان شده است و از ظاهر عبارت چنین استفاده می‌شود که مقصود از «نفس واحده» آدم و «زوجها» زن او باشد و این پدر و مادر نسل انسان کنونی می‌باشند که ما از آن‌ها هستیم. برخی با در نظر گرفتن «خلق منها زوجها» می‌گویند همسر آدم از بدن او آفریده شده است همان‌گونه که در آیین یهود است و معتقدند همسر آدم از یکی از دنده‌های آدم آفریده شده است.^۹

برخی تفاسیر با پذیرش خلقت حوا از دنده چپ آدم به روایاتی که در این زمینه وارد شده، تمسک کرده‌اند. روایات وارده در این زمینه سه دسته‌اند.

۴- عهنب سفیریشرا، لب هم، شم و ۲۳+۷.

۴- فطرنه حنب طبریب، مجع البیا فی تفسیر القو نا ج ۱ ص ۳۳.

۴- حنب مصطفوی، التحقی فی کلمات القو نا ج ۲ ص ۱۹۸-۱۹۷.

۴- حنب حنب محله ریفه طفهان موفات الفظ القو نا ص ۲۸۴.

۴- محله حنب طباطبای العینا، ج ۴ ص ۲۵.

دسته اول روایات: روایاتی هستند که خلقت حوا را مانند تورات می‌دانند. بیشتر این روایات توسط بعضی از اهل کتاب که به اسلام گرویده‌اند، نقل شده است.

دسته دوم روایات: صریحاً این نوع خلقت را رد می‌کنند. مانند صحیح‌های که زراره نقل کرده است:

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ خَلْقِ حَوَاءَ وَ قِيلَ لَهُ إِنَّ أَنَسًا عِنْدَنَا يَقُولُونَ - إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ حَوَاءَ مِنْ ضِلْعِ آدَمَ الْأَيْسَرِ الْأُفْصَى فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ تَعَالَى عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا أ يَقُولُ مَنْ يَقُولُ هَذَا إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنَ الْقُدْرَةِ مَا يَخْلُقُ لِآدَمَ زَوْجَةً مِنْ غَيْرِ ضُلْعِهِ وَ يَجْعَلُ لِلْمُتَكَلِّمِ مِنْ أَهْلِ التَّشْنِيعِ سَبِيلًا إِلَى الْكَلَامِ أَنْ يَقُولَ إِنَّ آدَمَ كَانَ يَنْكَحُ بَعْضَهُ بَعْضًا إِذَا كَانَتْ مِنْ ضُلْعِهِ مَا لَهُؤَلَاءِ حَكَمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ قَالَ عَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمَّا خَلَقَ آدَمَ عَ مِنْ طِينٍ وَ أَمَرَ الْمَلَائِكَةَ فَسَجَدُوا لَهُ أَلْقَى عَلَيْهِ السَّبَاتَ ثُمَّ ابْتَدَعَ لَهُ حَوَاءَ وَ ... از امام صادق علیه السلام درباره خلقت حوا سوال شد که نزد ما مردمی هستند که می‌گویند حوا از دنده چپ آدم خلق شده است. امام فرمود: خداوند از چنین نسبتی منزّه و برتر است؛ آیا کسی که چنین می‌گوید؛ می‌پندارد که خداوند توان آن را نداشت که همسر آدم را از غیر دنده او خلق کند؟! تا بهانه به دست ملامت گران دهد که بگویند بعض اجزاء آدم با بعض دیگر ازدواج کرد... سپس فرمود: خواب را بر آدم مستولی ساخت و سپس حوا را به طور نوظهور پدید آورد. روایات دسته سوم: در این دسته از روایات ضمن رد نظر اول، خلقت حوا را از باقی‌مانده گل آدم می‌دانند. از جمله روایت:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَ اللَّهُ حَوَاءَ فَقَالَ أَيُّ شَيْءٍ يَقُولُ هَذَا الْخَلْقُ قُلْتُ يَقُولُونَ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَهَا مِنْ ضِلْعٍ مِنْ أُضْلاعِ آدَمَ فَقَالَ كَذَبُوا كَانَ يُعْجِزُهُ أَنْ يَخْلُقَهَا مِنْ غَيْرِ ضِلْعِهِ فَقُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهَا فَقَالَ أَخْبَرْتَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَبَضَ قَبْضَةً مِنْ طِينٍ فَخَلَطَهَا بِبَيْمِينِهِ وَ كَلَّتَا يَدَيْهِ يَمِينٌ فَخَلَقَ مِنْهَا آدَمَ وَ فَضَلَتْ فَضْلَةً مِنَ الطِّينِ فَخَلَقَ مِنْهَا حَوَاءَ.

جمع بین روایات: جمع بین روایات نظریه خلقت حوا از دنده چپ باطل است چرا که اولاً به صراحت در مورد انکار دو دسته روایات دیگر قرار گرفته است ثانیاً بعضی راویان این روایت از اهل کتاب بوده که به وارد کردن خرافات از تورات و انجیل به روایات صادره از ائمه معصومین علیهم السلام مشهور هستند لذا روایات آن‌ها مورد پذیرش قرار گرفته است روایات دسته دوم دارای سند قوی است و ضمناً با روایات دسته سوم قابل جمع است که در هر صورت فقط هوا از دنده چپ آدم را منتفی می‌نماید بلکه به تسریع آیات گوهر وجودی زن و مرد و منشاء خلقت هر دو اصیل و واحد بوده و منشاء خلقت بدن انسان نیز از خاک و گل است حقیقت آن است که آنچه سبب فضیلت تکمیلی انسان است همان گوهر مشترک الهی است که زن و مرد را بر همه مخلوقات فضیلت بخشیده است و آنچه باعث فضیلت زن و مرد می‌گردد تقوا و فرمانبرداری خداوند از زمینه‌ها و استعداد آن در زن و مرد موجود است.

۵- محله ن. ع. بابیه. م. لا. يحضو الفقيه ج ۳ م. ۳۰۰ انتشارات لملا، ۴۱۳ ه. ق، ص ۳۸۰

۶- محله بلقن. محله تق. مجلس بطر لولا، ج ۱۱ م. بیروت دار الخیرات العی، ۴۰۳ ه. ق ص ۱۱۶.

۷- کونا الحیان، زهر محمل، خلق آدم و حوا در روایات یس و ۸۸، ۱۳۹۴ ه. ش، ص ۲۰

۲- کارگری آدم در باغ

در تورات آمده: خداوند، آدم را در باغ عدن گذاشت تا در آن کار کند و از آن باغ نگهداری نماید. این مطلب در قرآن نیامده است.

۳- سجده ملائکه بر آدم (ع)

خداوند بعد از نشان دادن برتری آدم بر ملائکه دستور می‌دهد بر آدم سجده کنند. همه ملائکه این عمل را انجام می‌دهند اما ابلیس که از دستور خداوند سر باز می‌زند از درگاه الهی رانده می‌شود. فرمان سجده فرشتگان بر آدم در آیات ۳۴ سوره بقره، ۶۱ سوره اسراء و ۱۱۶ طه و ۵۰ کهف همچنین ۱۱ اعراف و ۳۰ سوره حجر و ۷۳ سوره ص آمده است. اما در تورات مطلبی در رابطه با آن ذکر نشده است.

۴- تعلیم اسماء

در آیه ۳۱ سوره بقره «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» موضوع تعلیم اسماء به آدم مطرح شده است و مفسران در طی قرن‌های متمادی، آراء مختلفی را ذیل آیه ارائه کرده‌اند. در رابطه با این مبحث هم در تورات نیامده است.

۵- توبه آدم (ع) به درگاه الهی

در رابطه با توبه حضرت آدم پس از خوردن از میوه ممنوعه در تورات سخنی به میان نیامده است اما قرآن کریم در این آیه «فَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» به بحث توبه آدم پرداخته است و مفسران در سده‌های مختلف ذیل این آیه مباحثی هم‌چون شرایط پذیرش توبه، کلماتی که به آدم القاء شد و ... به بحث و تحلیل پرداخته‌اند.

اسرائیلیات در تفاسیر

«ذهبی» در تعریف اسرائیلیات می‌نویسد: واژه اسرائیلیات به ظاهر رنگ یهودی دارد و آنچه را که از طریق فرهنگ یهودی وارد حوزه اسلامی می‌شود را در بر می‌گیرد ولی مراد آن معنایی گسترده‌تر است و هر چیزی که صبغی یهودی و مسیحی دارد، شامل می‌شود.

بسیاری از، مباحث اسرائیلیات به دلیل ارتباط صحابه و تابعین با دانشمندان اهل کتاب و به خاطر اعتماد به گفته‌های آنان، به تدریج در میان مردم شایع و به دست افراد بی‌احتیاط و خوش‌باور در کتاب‌های حدیثی و تفسیری وارد شده است. عمده روایات اسرائیلی از دانشمندان یهودی و نصرانی نظیر «عبد الله بن سلام»، «کعب الأحبار»، «وهب بن منبه»، «تمیم داری» و

۵- عهزی، سو پیشراد، لب بوم شط و ۱۶.

۵- سور و بقو آی ۳۷

۵- محمّد حنیف، نفع، التفسیر و المفسرین، ج ۱، کتب دارالحدیث و ۴۳۱، ۱۶۵ ص

«ابن جریج» نقل شده است. بیشترین میزان استفاده از اسراییلیات در متون اهل سنت است.^۶ در دوره ی تابعان، به دلیل آن که تعداد زیادی از اهل کتاب اسلام آوردند، ولی ذهن آن‌ها هم‌چنان از داستان‌ها و افسانه‌های پیشینیان در تورات و دیگر کتاب‌هایشان انباشته بود و عامه ی مردم مشتاق شنیدن چنین داستان‌هایی بودند و به دلیل کوتاهی تابعان و علی‌رغم دستور پیامبر ﷺ به روی آوردن به آموزه‌های اصیل قرآن و اهل بیت^{علیهم‌السلام} تعداد زیادی از اسراییلیات بدون پروا و بررسی، در تفاسیر گنجانده شد و تفاسیر متأثر از اسراییلیات گشت.

برخی از مباحث مطرح شده در این نوشتار، ره آورد تعامل مسلمانان عصر نزول با فرهنگ دیگر ادیان بوده، که ریشه قرآنی ندارد، ولی هم‌چنان تا به امروز در ذخایر تفسیری ماندگار شده است. هم‌چنین، چنین داستان‌ها و مباحث بی‌پایه و اساسی که مطرح شد، بیانگر قسمتی از اعتقادات مردم در برهه ای از تاریخ است و چنین باورهایی نشأت گرفته از برخی فعالیت‌های متقابل اثرگذاری و اثرپذیری هستند. که میان اسلام و ادیان پیش از آن در زمینه‌ی فرهنگی و فکری صورت گرفته اند. یهودیان گرویده به اسلام، میراث لاهوتی یهود را با اعتقادات اسلامی درآمیختند و این آمیختگی به شکلی قوی در تمسک مسلمانان به گفته‌های یهودیان به ظاهر مسلمان شده، در تفسیر قصه‌های بی‌شماری از قصص قرآنی کاملاً نمایان است.

نتیجه گیری

سرگذشت آدم در تورات و مقایسه آن با آموزه‌های قرآن کریم دارای وجه شباهت‌هایی از جمله: خلقت از خاک، سکنی گزیدن در باغ، منع از خوردن از درخت ممنوعه و ... است اما به دلیل جامعیت قرآن و ارائه توضیحات بیشتری از سرگذشت این پیامبر الهی، این دو کتاب دینی در برخی مواضع با هم تفاوت‌هایی هم‌چون: سجده ملائکه بر آدم ﷺ، توبه، کارگری آدم و ... است. با بررسی‌هایی که در برخی کتب تفسیر صورت گرفت به خوبی نشان می‌دهد برخی از مفسران تحت تأثیر آموزه‌های عهدین واقع شده و به تعبیر مفسران پای اسراییلیات را به تفسیر قرآن باز کرده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۵- محله یقی، دی‌کی پژوهش در باب اسراییلیات در تفاسیر قرآن، هم تو نا فقه پژوهش و نشر سهو ریح ۱۳۸۳هـ

منابع قرآن کریم

- ۱- عهدین
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع- دار صادر، ۱۴۱۴ هـ ق.
- ۳- محمد تقی، دیاری، پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر قرآن، دوم، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۳ هـ ش.
- ۴- محمد حسین، ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۱، کویت: دارالانوار، ۱۴۳۱ هـ ق
- ۵- کیوان، احسانی، زهرا محمدی، خلقت آدم و حوا در قرآن و تورات، بینات، شماره ۸۸، ۱۳۹۴ هـ ش،
- ۶- محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۱، دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ ق
- ۷- محمد بن علی، ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، دوم، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ هـ ق
- ۸- محمد متولی، شفعراوی، تفسیر الشعراوی، ج ۱، اول، بیروت: أخبار الیوم، ۱۹۹۱ م
- ۹- علی بن ابراهیم، قمی، تفسیر القمی، طیب جزایری موسوی، ج ۱، سوم، قم: دار الکتب، ۱۳۶۳ هـ ق
- ۱۰- ابن یسار، ابو یعقوب یوسف، ابن زیاد، ابوالحسن علی، تفسیر المنسوب الامام العسکری ؑ، ج ۱، چاپ اول، قم: مدرسه الامام المهدی ؑ، ۱۴۰۹ هـ ق.
- ۱۱- ابن ابی حاتم، عبد الرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، چاپ سوم، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ هـ ق.
- ۱۲- ابن عطیه، عبد الحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، ج ۱، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ هـ ق
- ۱۳- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ هـ ق.
- ۱۴- بغوی، حسین بن مسعود، تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل، ج ۱، چاپ اول، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ هـ ق.
- ۱۵- پانی پتی، ثناء الله، تفسیر المظهری، ج ۱، چاپ اول، کویته: مکتبه رشدی، ۱۴۱۲ هـ ق.
- ۱۶- جرجانی، عبد القاهر بن عبد الرحمن، درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، چاپ اول، عمان: دارالفکر، ۱۴۳۰ هـ ق.
- ۱۷- حویزی، علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ هـ
- ۱۸- خازن، علی بن محمد، تفسیر الخازن المسمی لباب التاویل فی معانی التنزیل، ج ۱، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه، بی تا.
- ۱۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، دمشق: دارالقلم - الدارالشامیه، ۱۴۱۲ هـ ق.
- ۲۰- طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی التفسیر القرآن، ج ۱، چاپ دوم، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ هـ ق.
- ۲۱- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ هـ ش.
- ۲۲- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، ج ۱، چاپ اول، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ هـ ق.
- ۲۳- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، محقق: احمد حبیب عاملی، ج ۱، چاپ اول، بیروت: داراحیاء التراث

العربی، بی تا.

- ۲۴- فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، ج ۲، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ هـ ق.
- ۲۵- عبد الله بن احمد، نسفی، التفسیر النسفی مدارک التنزیل و حقائق التأویل، ج ۱، اول، بیروت: دار النفائس، ۱۴۱۶ هـ ق.
- ۲۶- محمد بن احمد، محلی، جلالین، ج ۱، اول، بیروت: موسسه النور للمطبوعات، ۱۴۱۶ هـ ق
- ۲۷- علی بن احمد، واحدی، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ج ۱، اول، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۵ هـ ق.
- ۲۸- یحیی بن زیاد، فراء، معانی القرآن، محمد علی نجار، ج ۱، دوم، قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب، ۱۹۸۰ م، ص ۳۸۴
- ۲۹- عبد الله بن یحیی، یزیدی، غریب القرآن و تفسیره، محمد سلیم الحاج، اول، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۵ هـ ق
- ۳۰- محمود بن ابوالحسن، نیشابوری، ایجاز البیان عن معانی القرآن، ج ۱، اول، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۴۱۵ هـ ق

